



نشست های هنرجویان دوره گرافیک ۸۷ با عباس کیارستمی

کیارستمی معتقد است که گرافیک به مرور تأثیرات عمیقی بر کارهایش گذاشته و در اجرای فیلم هایش روز به روز ساده تر شدن و گرافیک، خودش را به سینمای او تحمیل کرده است. او می گوید: "به نظر من اگر شما گرافیک بدانید مثل این است که نت را خیلی خوب می دانید، نت هنر مدرن را خیلی خوب می دانید بنابراین وقتی سازتان را عوض کنید بسیار ساده تر و سریع تر ساز جدید را یاد می گیرید چراکه آن دانش پایه و مبانی (Base) را دارید."

کیارستمی در ادامه صحبتش در جلسه اول با کمی تقلید از اسکورسیزی (به قول خودش) به نقل خاطراتش از ورود به دانشگاه گفت و اینکه می خواسته معمار شود اما چون ریاضیاتش خوب نبوده به رشته نقاشی روی آورده و در نقاشی هم استعداد چندانی نداشته تا اینکه در کنار تحصیل دانشگاه به کار در دفاتر تبلیغاتی روی آورده و آرام آرام به کار گرافیک مشغول شده و فیلم تبلیغاتی و تیتراژ فیلم ساخته و بالاخره پس از ۱۳ سال در رشته نقاشی از دانشگاه فارغ التحصیل شده است!

ضعف هایش در کارهای دیگر باعث شده است که تجربیاتش در عرصه گرافیک را جدی تر بگیرد بیشتر فکر کند و ساده تر کار کند و به گونه ای با اهالی گرافیک ارتباط پیدا کند چراکه با روحیه اش، با نداشتن امکاناتش، با حداقل هایی که باید کار می کرد سازگار بوده بنابراین می گوید "فکر می کنم که گرافیک مادر همه هنرهاست و در این چند سال تجربه کارگاه های آموزشی، همیشه آرزو داشته ام که کاش دانشجویانم گرافیک بودند، چراکه لازم نیست به آنها مقدمات گرافیک را یاد داد. در گرافیک، ما بر اساس حداقل هایی کار می کنیم، ناچاریم جامعه شناسی بدانیم، روانشناسی بدانیم، مخاطب جلدی داشته باشیم و در محدودیت های سفارش دهنده قرار بگیریم که البته همه آنها کارشان را خیلی خوب بلدند."

طی چند ماه گذشته هنرجویان دوره گرافیک ۸۷ در ۲ نشست نسبتاً طولانی با عباس کیارستمی همراه بودند. این نشست ها بر اساس برنامه ریزی های رضا عابدینی (مدرس و سرپرست دوره) برگزار شده، که طی چند جلسه دیگر تا پایان دوره ادامه خواهد داشت.

کیارستمی در اولین جلسه این نشست پس از مقدمه ای کوتاه، نگرانی ها و بی علاقه گی خود را از کلاس های درسی آموزشی و یا ورک شاپ ها، اعلام کرد و گفت: "اصلاً قرار نیست که من به شما درس بدهم و یا چیزی به شما یاد بدهم چون واقعاً به یاد دادن و یاد گرفتن از یک آدم دیگر اعتقاد ندارم. به نظرم می آید که خلاقیت را نمی شود یاد داد. اما از اینکه بپایم و با شما که گرافیک می خوانید و گرافیک کار می کنید بنشینیم و با هم گفتگو کنیم خوشحال می شوم."

کیارستمی با نقل خاطره هایی از ورک شاپ خود با مارتین اسکورسیزی ۲ سال پیش در مراکش، و همچنین تجربه ورک شاپ های دیگرش در ایتالیا، مونیخ، آمریکا و همچنین ایران، به لذت بخش بودن این کار اشاره کرده و ساختن فیلم را دشوارترین بخش آن می داند و می گوید: "اصولاً کار کردن با جوان ها آدم را همیشه سر حال نگه می دارد و همانقدر که یاد می دهد یاد می گیرد" اما بانقل و حرف هایی از "زنده یاد مرتضی ممیز" که می گفت:

"من جوانی می کنم وقتی با جوانها کار می کنم و این بخش مثبت کار است اما بخش دیگرش کار کردن با جوانها آلودگی می آورد یعنی شاگرد ها تو را آلوده می کنند" می گوید "اصلاً یادم رفته بود که این آلودگی یعنی چه و به چه معنایی آلوده می شوی؟ تا اینکه چندی پیش متوجه شدم چنین اتفاقی واقعاً افتاده و به خصوص شاگرد های خوب آدم را آلوده می کنند نه شاگرد های متوسط و بد."

